

Research Article

Reconsidering the View of Religion in the Realm of Human Life Based on the Verses of the Qur'an

Nancy Saky

Abstract

Religion as a category in human life affects all aspects of his existence and human beings are also affected by it. This influence is both in the individual and social aspects of man, and consequently his life is overshadowed by religion, and on the other hand, the intellectual and spiritual concern of man in relation to after his death is a close relationship with religion and the realm. It has and its scope. The importance of determining the "realm of religion" and especially the "realm of law" is not only in worldly and everyday human life, but also the intellectual and spiritual concern of man after his death is closely related to religion and its realm as well as law and its scope. Inspired by the original source of revelation - the Qur'an - he examines the realm of religion, and shows the close relationship between religion and human life in such a way that man's inclusion in the religious framework connects him to an eternal source called God. It is at this time that the anxiety, distress and despair of his life disappears and he is on the real and enjoyable path of life.

Keywords: Quranic View, The Realm Of Religion, Secularism, Calming, Hope

باز کاوی نگره دین در قلمرو زندگی بشری با تکیه بر آیات قرآن

نانسی ساکی

چکیده

دین به عنوان مقوله‌ایی در زندگی انسان در تمامی شئون و روزه‌های وجودی او اثر می‌گذارد و انسان نیز از آن متأثر می‌گردد. این تاثیر و تاثر هم در جنبه‌های فردی انسان است و هم در جنبه‌های اجتماعی، و به تبع زندگی او تحت شعاع دین واقع می‌شود، و از دیگر سو دغدغه فکری و روحی بشر نسبت به پس از مرگش نیز ارتباط وثیقی با دین و قلمرو آن و محدوده آن دارد. اهمیت تعیین «قلمرو دین» و به خصوص «قلمرو شریعت» تنها در زندگی دنیوی و روزمره انسانی نیست، بلکه دغدغه فکری و روحی بشر نسبت به پس از مرگش نیز ارتباط وثیقی با دین و قلمرو آن و نیز شریعت و محدوده آن دارد این نوشتار با الهام گیری از منبع اصیل وحی-قرآن- به بررسی قلمرو دینی پرداخته، و نشان دهنده ارتباط تنگاتنگ دین با زندگی بشر است به گونه‌ای که قرار گرفتن انسان در چارچوب دینی او را متصل به منبع لایزالی به نام الله می‌کند.

واژگان کلیدی: نگره ی قرآنی، قلمرو دین، سکولاریسم، آرامش بخشی، امیدواری

مقدمه و بیان مسئله

بحث «قلمرو دین» و نیز مبحث «قلمرو شریعت» از بحث‌های زنده و ضروری جامعه بشری است. در آمیختگی «دین و انسان» و تعامل مثبت یا منفی آن دو در طول تاریخ و تداوم این تعامل در آینده انسان، تعیین حدود و ثغور دین در زندگی بشر را به موضوعی جالب و جدی و سرنوشت‌ساز تبدیل کرده است. اهمیت تعیین «قلمرو دین» و به خصوص «قلمرو شریعت» تنها در زندگی دنیوی و روزمره انسانی نیست، بلکه دغدغه فکری و روحی بشر نسبت به پس از مرگش نیز ارتباط وثیقی با دین و قلمرو آن و نیز شریعت و محدوده آن دارد. بشر از ابهام در «قلمرو دین» زیان بسیار دیده است و بخش عظیمی از بدبختی و نکبت تاریخ زندگی بشر به خاطر ابهام در «قلمرو دین» بوده است. در تاریخ ادیان و نیز جوامع بشری به‌طور کلی موارد کمی وجود ندارد که قدرتمندان و حاکمان با سوء استفاده از ابهام قلمرو دین به استحکام حاکمیت خویش بر دیگران بهره گرفته و یا مخالفان خود را سرکوب کرده‌اند و یا توده‌های مردم را با تیغ دین و شریعت به مسلخ برده‌اند و یا دانشوران و متفکران را به بند کشیده و یا به زندگیشان پایان داده‌اند، همه اینها ریشه در ابهام موضوع قلمرو دین داشته که موجب سوء استفاده آنان از گزاره‌های دینی و یا مفاهیم مربوط به شریعت می‌گشت. نه تنها حاکمان و قدرتمندان از ابهام «قلمرو دین» سوء استفاده می‌کردند، بلکه عالمان و روحانیان و متصدیان امور دینی ادیان هم در میان اکثر ادیان با سوء استفاده از ابهام در «قلمرو دین» به زیان مردم گام برداشته و در راستای اهداف دنیوی خویش گزاره‌های منتسب به دین را به کار می‌گرفتند. در تاریخ مسیحیت، در پی رنسانس و قیام مردم علیه حاکمیت کلیسا، این قبیل بهره‌گیری‌های ناشایست از «ابهام قلمرو دین» بیشتر در دید نقادان قرار گرفت و موضوع تعیین قلمرو دین را به مبحثی ضروری و مهم تبدیل کرد و در نهایت دست کلیسا را از قلمرو حکومت و نیز زندگی خصوصی مردم کوتاه نمود.

در تاریخ اسلام هم موارد سوء استفاده‌هایی از این دست اندک نیست، و می‌توان ریشه آن را در حوادث صدر اسلام جست؛ حوادثی چون یورش خالد بن ولید بر قبیله مالک بن نویره و یا فرار عبید الله بن عمر از مجازات و مال‌اندوزی‌های اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) در دوران حاکمیت خلیفه سوم و مواردی از این دست بسیار هستند، این حکایات که سرچشمه‌اش فساد در قدرت و به‌طور روشن‌تر خروج حاکمیت از جایگاه مورد انتظار، همگی ناشی از ابهام در «قلمرو دین» بود و گرنه توده مردم به راحتی چنان پدیده‌هایی را پذیرا نمی‌گشتند. در تاریخ اسلام، بسیاری از قتل و غارت‌ها، اعدام‌ها، تکفیرها، تصرف غاصبانه اموال مردم، تجاوز به حریم‌های خصوصی مستند به همین ابهام در «قلمرو دین» است. در جهان اسلام حاکمان اموی، عباسی، عثمانی و در جامعه ایران سلسله‌های صفوی و قاجاری و غیر آنها، عموم ترکتازی‌های خویش را در سایه دین انجام می‌دادند و با بهره‌گیری از «ابهام در قلمرو دین» به همه امیال و خواسته‌هایشان قبابی دین و ردای شریعت می‌پوشاندند. همین داستان در حوزه و قلمرو نفوذ دیگر ادیان به شکل‌های گوناگون تحقق یافته و می‌یابد. این مبحث گرچه از دیرباز در ذیل عناوین گوناگونی مورد توجه اندیشوران جامعه بشری بوده و با توجه به عملکرد ادیان در قلمرو نفوذشان از نوسان لازم برخوردار بود، اما در حوزه دینی جهان اسلام با رجوع به منابع غنی اسلام (قرآن و سنت) با تأخیر نسبی به صورت

- مبحثی مستقل و با عنوان «قلمرو دین» مطرح گشت. با این حال در این پژوهش ما برآنیم تا با استناد به قرآن به بررسی نقش دین در زندگی بشر بپردازیم و روشن سازیم که :
۱. آیا برای کشف گستره‌ی دین باید به متون دینی یعنی کتاب و سنت مراجعه کرد یا این که باید از طریق انسان‌شناسی و نیازشناسی تجربی به این پرسش پاسخ داد؟
 ۲. آیا قداست دین با دخالت در عرصه‌های اجتماع و سیاست از بین می‌رود؟

پیشینه تحقیق

- مهم‌ترین پژوهش‌هایی که با محوریت مقاله حاضر نوشته شده‌اند، در ذیل آورده شده است:
- ۱- مقاله «دین در دنیای مدرن»، (۱۳۸۶ش). از «مهدی نکویی سامانی»، چاپ شده در شماره ۲۳ از «فصلنامه معرفت». نویسنده در این مقاله چنین استنتاج کرد که دین تعبد صرف و ملازم با دست برداشتن از تعقل و تحقیق و تفکر و عامل رکود است. از این‌رو، آنان بر اصالت علم و اعتبار و کفایت عقل بشری اصرار دارند. غافل از اینکه شواهد عینی تاریخی بر همه این تلاش‌ها و ادعاها، خط بطلان کشیده است. بر انسان‌های عقل‌مدار و متصف پوشیده نیست که حتی در جدیدترین جوامع غربی، هنوز هم دین و ارزش‌های دینی به حیات خود ادامه می‌دهند و نفوذ خود را از دست نداده‌اند. در جهان مدرن نیز نیاز و گرایش به مذهب و معنویت رو به افزایش است و بشر امروز غربی با وجود بهره‌مندی از انواع امکانات و پیشرفت‌های علمی، باز هم خود را نیازمند به دین می‌داند.
 - ۲- مقاله «نحوه بازتاب دین داری در سریال‌های دینی تلویزیونی (تحلیل محتوای سریال مدینه ۱۳۹۳)»، (پاییز ۱۳۹۸). از «علی اصغر کیا و فاطمه پوربصیر». چاپ شده در «فصلنامه علوم خبری». نتایج حاصل از این مقاله گویای این است که صبوری، اخلاق‌گرایی، گذشت، طبقه اجتماعی بالا و خیر مطلق بودن برای کاراکترهای مرجح و دیندار و در مقابل آشفتگی، بی‌قیدی اخلاقی، عصبی بودن، طبقه اجتماعی پایین و شر مطلق بودن برای کاراکترهای نامرجح و بی‌دین بازنمایی شده‌اند. همچنین ۴۲ مورد از مولفه‌های دینی در بعد رفتاری با بیشترین میزان و ۴ مورد در بعد نظری با کمترین میزان در این سریال بازتاب داده شده است.
- همانگونه که پیداست تا کنون پژوهشی که صددرصد مطابق با موضوع مقاله حاضر باشد، نوشته نشده است.

مفهوم دین

«واژه انگلیسی (Religion) از واژه لاتین (Religo) که به معنی ایمان نیک، شعائر و معانی مانند آن است، گرفته شده و چنانکه در فرهنگ لغت فلسفه دین آمده است: واژه (Religo) از ریشه یونانی (Religale)» که به معنی «محکم بستن» است، اخذ شده است. این واژه نوعاً به نهادی اشاره دارد که پیروانی دارد که به طور منظم برای عبادت گرد هم می‌آیند و مجموعه‌ای از آموزه‌هایی را می‌پذیرند که نوعاً وبستگی فردی را به چیزی که ماهیت غایی واقعیت است، ایجاد می‌کند (عالیوند، ۱۳۹۸: ۱۰۸). در

منابع عربی چنین آمده است که دین (Religion) در لغت و نیز در کاربردهای قرآنی به معانی حکم و قضا، جزا، حساب، طاعت، ورع، سلطه و قهر و غلبه، و نیز به معنای شریعت و آیین است. (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۴/۴۶۰)

اصطلاح دین دارای یک معنای واحد که مورد قبول همه باشد نیست بلکه پدیدارهای متعدد فراوانی تحت نام دین گرد می‌آیند که به گونه‌ای با هم ارتباط دارند. (هادوی مقدم، ۱۳۷۷: ۳۸۲) اما دین در تعبیر قرآنی مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها می‌باشد. گاهی همه این مجموعه حق، و گاهی باطل و گاهی مخلوطی از حق و باطل است. اگر مجموعه‌ی حق باشد دین حق و در غیر اینصورت آن را دین باطل و یا مخلوطی از حق و باطل می‌نامند. (جوادی آملی، الف، ۱۳۷۲: ۹۳)

بنابراین دین حق عبارتست از آیینی که دارای عقاید درست و مطابق با واقع بوده و رفتارهایی را مورد توصیه و تأکید قرار دهد که از ضمانت کافی برای صحت و اعتبار برخوردار باشد. (یزدی، الف، ۱۳۷۷: ۱۱)

آشکار است که دین مبین اسلام برای هدایت و تأمین سعادت واقعی انسان‌ها نازل شده است و به تمام ابعاد زندگی انسان نظر دارد. اما یکی از موضوعاتی که در اغلب جوامع در اکثر ادیان مورد بررسی قرار گرفته، این است که گستره دین در زندگی به چه میزان است؟ و دیگر این که آیا برای کشف گستره‌ی دین باید به متون دینی (کتاب و سنت) مراجعه کرد یا این که باید از طریق انسان‌شناسی و نیازشناسی تجربی به این پرسش پاسخ داد؟ برای تعیین دامنه‌ی دین و تشخیص گستره‌ی آن، دو روی کرد متفاوت وجود دارد: الف. روی کرد برون دینی؛ ب. روی کرد درون دینی؛ که در این جا به طور گذرا و مختصر این دو روی کرد را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف. روی کرد برون دینی

روی کرد برون دینی، روشی است که بدون مراجعه به دین (قرآن و سنت)، قلمرو دین را مشخص می‌کند که در همین راستا مسئله‌ی «انتظار بشر از دین» مطرح شده است. «انتظار بشر از دین» به این معنا است که انسان چه نیازی به دین دارد و توانایی دین در رفع نیاز آدمی، تا کجا است. به عبارت دیگر، «انتظار ما از دین یعنی تبیین این که دین چه می‌تواند بکند و آماده و آماده است تا چه کند؟ (سروش، بی تا: ۱۳۸) اصولاً دین داران چه چیزی را باید در دین بجویند و انتظار پاسخ به کدام حاجت را از دین داشته باشند؟

تعیین قلمرو دین از ره گذر انتظار بشر از دین، از موضوعات مهم در عرصه‌ی کلام جدید و فلسفه‌ی دین است که توجه صاحبان فکر و اندیشه را به خود جلب کرده است. خاست گاه اصلی این بحث، تلقی جدیدی است که از رابطه‌ی انسان و دین صورت گرفته است. کسانی که برای تعیین قلمرو دین، مقوله‌ی انتظار بشر از دین را مطرح کرده اند، بر این باورند که این مسئله بیرون دینی است؛ زیرا: «اولاً؛ فهم متون دینی، خود در گرو تعیین و تحدید انتظارات ما از دین است، و نه بر عکس... لذا آدمیان پیش از مراجعه‌ی به دین، باید مسائل را به مسائل اصلی و فرعی تقسیم کرده باشند و چارچوبی برای انتظارات

خود معلوم و معین نموده باشند، و سپس به سراغ متون دینی بروند.» (سروش، پیشین، ۱۳۵)؛ ثانیاً: فرض کنیم که آدمیان به دین مراجعه کردند و از دین شنیدند که برای تأمین کدام منظور آمده است، اما مطلب به همین جا ختم نمی شود؛ چرا که سخن بر سر صدق و کذب آن دعاوی هم هست.» (سروش، پیشین، ۱۳۷)

در مقام ارزیابی دلیل نخست، باید گفت رابطه منطقی میان «انتظارات بشر از دین» و «فهم از دین» وجود ندارد و اگر کسی بدون هیچ گونه انتظاری به دین مراجعه کند، دین را نمی فهمد؛ زیرا چه بسا فردی با انتظار خاصی به متون دینی مراجعه می کند اما بعد از مراجعه و مطالعه ی دین، خلاف انتظارش را می فهمد و یا افرادی بدون این که پیش فرض و انتظاری داشته باشند، به دین مراجعه می کنند و مطالب ارزنده ای را درک می کنند (لاریجانی، ۱۳۷۵، ص ۲۵؛ همو، پیشین: ۲). اما در نقد و بررسی دلیل دوم می گوئیم: اصل پذیرش دین اسلام جنبه ی برون دینی دارد؛ یعنی مسلمانان از راه دلیل عقلی و معجزات پیامبر بزرگوار اسلام (ص) به حقانیت دین اسلام پی برده اند و به آن گردن نهاده اند و بنابراین پذیرش اسلام عقلانی خواهد بود. بعد از این مرحله است که به سراغ متون دینی یعنی قرآن کریم و سنت قطعی معصومین (ع) می روئیم و به دامنه و اهداف و احکام دین پی می بریم.

ب. روی کرد درون دینی

اما در نگاهی دیگر روی کرد درون دینی، روشی است که معتقد است برای ارایه ی تعریف دین و شناخت گستره و رسالت و توانایی های آن، باید به قرآن و سنت قطعی مراجعه کرد. با توجه به پاسخ هایی که به دلایل روی کرد برون دینی داده شد تا حدودی مبانی روی کرد درون دینی نیز مشخص می شود. برخی اندیشمندان بر این نظرند که «... برای شناخت دین خدا و ارایه ی تعریف از آن، ما نباید به سلیقه ی خود مراجعه کنیم؛ بلکه برای شناخت دامنه، رسالت و خواست آن دین، باید منابع و محتوای آن را بررسی کنیم... نظر به این حقیقت، ما گفتیم برای شناخت دین و ارایه ی تعریف و قلمرو آن باید به منابع دینی یعنی کتاب و سنت مراجعه کنیم... البته در مواجهه ی با کسانی که اسلام را قبول ندارند، نباید از روش نقلی و آیات و روایات سود جوئیم؛ بلکه باید روش عقلی را در نظر بگیریم و ابتدا به اثبات اسلام پردازیم؛ اما در مواجهه با کسانی که به اسلام اعتقاد دارند ولی ادعا می کنند که اسلام نسبت به سیاست نظری ندارد، نباید از متد و روش عقلی صرف مدد جوئیم، بلکه در پی کشف دیدگاه اسلام راجع به سیاست، باید به مبانی اسلام روی آوریم و ثابت کنیم که اسلام چه نظری راجع به سیاست دارد» (یزدی، (ب)، ۱۳۸۲: ج ۱، ۴۲ - ۳۸)

بنابراین برای اثبات حقانیت دین اسلام و پذیرش آن، باید از دلایل بیرون دینی بهره جست و بعد از این مرحله، شناخت قلمرو و محدوده ی دین با بررسی منابع دین به دست می آید. لاجرم با مراجعه به متون مقدس دینی (قرآن و سنت قطعی) و بررسی آیات و روایات مربوط به اهداف بعثت انبیاء (ع) و با توجه به جامعیت دین، کمال دین و خاتمیت دین اسلام و... [به این نتیجه می رسیم که کسانی که ایده ی انتظار حداقلی از دین را مطرح می کنند، سخت در اشتباه اند و منطبق شان با منطق قرآن سازگار نیست (نصری، ۱۳۷۸: ۳۴). اگر انسان یک سلسله اعتقاداتی داشته باشد، خواه ناخواه در رفتارش اثر

می‌گذارد. در فرهنگ قرآنی نیز در موارد بسیاری، ایمان و عمل صالح همراه با هم و توأمان ذکر شده است. اگر هم به طور اتفاقی فقط از ایمان سخن به میان آمده باشد، از قرائن قبل و بعد آن برمی‌آید که عمل صالح هم در آن دخیل است؛ هم‌چنان که اگر در جایی فقط عمل صالح را ذکر کرده باشد، باز از قرائن برمی‌آید که مشروط به ایمان است؛

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى؛ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل/۹۷)

هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.

« وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى؛ لَهَا سَعْيُهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا» (اسراء/۱۹).

و هر کس خواهان آخرت است و نهایت کوشش را برای آن بکند و مؤمن باشد، آنانند که تلاش آنها مورد حق‌شناسی واقع خواهد شد. بنابراین دعوت‌کنندگان به دین، آنهایی که آورنده دین هستند، یعنی انبیاء(ع)، ادعایشان این است که انسان باید در زمینه اعتقادات، افکار و نظریات، به چیزهایی معتقد باشد؛ در غیر این صورت به انسانیت او لطمه می‌خورد؛

«إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (انفال/۵۵)

بی‌تردید، بدترین جنبندگان پیش خدا کسانی‌اند که کفر ورزیدند و ایمان نمی‌آورند؛ در این آیه شریفه نمی‌فرماید: «شرّ الأناس»، بلکه می‌فرماید: «شرّ الدّواب»؛ «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال/۲۲) قطعاً بدترین جنبندگان نزد خدا کران و لالانی‌اند که نمی‌اندیشند؛ توجه به این نکته ضروری است که در این دو آیه که «شرّ الدّواب»؛ را معرفی می‌کند،

یک‌بار می‌فرماید: «الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ»؛ و در جای دیگر می‌فرماید: «الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» به یقین این دو مصداق، با هم مرتبط‌اند و تناقضی بین این دو آیه نیست.

بر اساس عقیده ما، در سایر ادیان تحریفاتی واقع شده است و مجموعه‌ای که امروز از ادیان دیگر باقی مانده قابل اعتماد نیست و کم و زیادهایی در آنها شده است. دینی که ما از آن حمایت می‌کنیم دین اسلام است و مهم‌ترین منبع آن هم قرآن است. قرآن دین را این‌گونه معرفی می‌کند: اگر کسانی فاقد دین باشند، انسان واقعی نیستند.

رتال جامع علوم انسانی

جایگاه دین در زندگی بشری

مباحث مطرح شده مقدمه‌ای برای بحث اصلی است. دین اسلام را که ما پذیرفته ایم و آن را مکمل انسانیت انسان می‌دانیم و انسانیت انسان را بدون آن میسر نمی‌دانیم، در زندگی ما چه جایگاهی دارد؟ صرف نظر از جایگاه سایر ادیان، باید پرسید جایگاه دین اسلام، یعنی دینی که ما آن را پذیرفتیم در زندگی ما کجاست؟ بسیاری تصور می‌کنند که جای این دین، مسجد، حسینیه و زیارت‌گاه‌ها است و فقط اموری مثل نماز، روزه، خیرات و... مربوط به دین است. به عقیده چنین کسانی دین فقط برای ارتباط انسان با خداست و سایر مسایل از حوزه دین خارج و در حاشیه است. متن دین یعنی نماز خواندن، روزه گرفتن، حج، زیارت و... است و اگر کسی به هیچ کدام اعتقادی نداشت بی‌دین است. آیا واقعاً این سخن

اسلام است؟ یا این، تفکر غلطی است که شیطان آن را القاء کرده است. این که شیاطین انس چه اندازه در ترویج این تفکر دخالت داشتند، در جای خود محل بحث است. بدون شک اصل این فکر که دین فقط شامل این موارد است، از شیطان است. اگر دین همان است که قرآن آورده و منبع اصلی شناخت آن قرآن است، با قدری تأمل و دقت در می‌یابیم که دین در قرآن غیر از مسأله نماز، روزه و مودت اهل بیت(ع)، مباحث دیگری را هم شامل می‌شود. اما متأسفانه هنوز اکثریت مسلمان‌ها، اعم از شیعه و سنی، تصور می‌کنند که دین قلمروی محدود دارد و تنها برای رابطه انسان با خداست. و این همان چیزی است که امروز به نام «سکولاریزم»: نامیده می‌شود.

سکولاریسم یا گیتی‌گرایی (Secularism) به صورت کلی به مفهوم ممانعت از دخالت دین در تمامی امور عمومی جامعه است. این تفکر به صورت کلی ریشه در عصر روشنگری در اروپا دارد. ارزش‌هایی مانند جدایی دین از سیاست، جدایی کلیسا و حکومت در آمریکا، و لائیسیتته در فرانسه بر پایه سکولاریسم یا گیتی‌گرایی بنا شده‌اند. اهداف و استدلال‌ها در سکولاریسم یا گیتی‌گرایی به واقع یک جنبش به سوی مدرنیته و دور شدن از ارزش‌های دینی است. (حداد عادل، ۱۳۸۶، ۴۱)

مغالطه ای که در این بیان نهفته است این است، که چون دین به تمام نیازهای علمی و انسانی بشر پاسخ نداده، پس باید نسبت به دین، روی کردی حداقلی داشته باشیم (مصباح یزدی، (ب)، ۱۳۸۲: ۱/۵۶) و دین را کاملاً از صحنه‌ی اجتماع و سیاست کنار نهیم تا نزد مؤمنین، قداست آن خدشه‌ای پیدا نکند. غافل از آن که اولاً، میان آن دو روی کرد، می‌توان روی کرد معتدلی داشت؛ بدین سان که دین به زندگی فردی و اجتماعی انسان جهت می‌دهد و بنابراین باید خطوط و شرایط کلی را برای تشکیل حکومت ترسیم کند و ثانیاً، حکومت چه دینی باشد و چه غیر دینی، وظیفه دارد که در حل مشکلات فردی و اجتماعی دنیای مردم، در پی برنامه ریزی و مدیریت صحیح باشد و دین در این بخش به دست آورده‌های علوم تجربی و انسانی بشر تا آن جا که با سعادت انسان در تعارض نباشند، مهر تأیید می‌زند و اساساً عقل در این زمینه، خود ایزاری است برای کشف حکم و دستور خدا؛ و هیچ گاه در عرض دین و هم ردیف با آن تلقی نمی‌گردد. (جوادی آملی، (الف)، ۱۳۷۲: ۲۰۴-۲۰۸) آن چه جای تأسف دارد، آن است که فرد مذکور برای تأیید مدعای خود، استناد به حرف عوام الناس و متعصبین مذهبی می‌کند. و می‌نویسد: «مقدسین و متعصبین فکر می‌کنند که با دعا و درخواست از خدا کلیه‌ی آرزوها و مشکلات رفع می‌شود...» (بازرگان، بی تا: ۹۴) در قضاوت و پاسخ این نوع تفکرات که بر حسب ظاهر، سنگ قداست دین را به سینه می‌زنند، ثمره‌ای جز محدود نمودن دین و ایستایی و جمود دین ندارند و چنین برداشتی، نه با کمال دین اسلام سازگار است و نه با خاتمیت آن. نظیر این طرز فکر در تفکیک حوزه‌ی ارزش و دانش نیز موجود است که برای تحکیم دین در برابر هجوم فلسفه‌های علمی، نظریه‌ی جدایی قلمرو ارزش از دانش، و علم از دین را مطرح ساختند. غافل از این که رفع این رقابت که به قیمت خلع سلاح کردن دین انجام می‌شود، هرگز به دین تقدس نمی‌دهد؛ بلکه چهره‌ی الهی آن و در نتیجه تقدس و ثبات آن، مورد انکار قرار می‌گیرد. (جوادی آملی، پیشین، ۱۳۷۲: ۲۳۳-۲۳۱)

نقش کاربردی دین و ایمان دینی در زندگی مادی و معنوی انسان

۱. معنا پیدا کردن زندگی و رهایی از احساس پوچی

بشر امروز با فاصله گرفتن از دین و پرداختن محض به تکنولوژی، دچار بحران‌های روحی و اخلاقی و نهایتاً معضل «بی‌هویتی» گردیده‌است. شاید این فایده از مهم‌ترین فواید دین باشد، زیرا زمانی زندگی برای انسان معنا دارد که بداند هدف و معنای آن چیست و برای چه آفریده شده. در واقع، اگر معنای زندگی را در جهت تأمین جاودانگی انسان تبیین کنیم، به یکی از عظیم‌ترین و اصلی‌ترین فواید دین دست یافته‌ایم؛ از این رو گفته‌اند سرّ حاجت انسان به دین، جاودانه بودن و زندگی اخروی اوست و اگر جاودانگی مطرح‌نباشد، زندگی لغو خواهد بود.

۲. آرامش بخشی به زندگی

دین اطلاعاتی را در اختیار انسان می‌نهد تا زندگی برای او در مجموعه هستی میسر و مطبوع شود و به تعبیری بین آدمی و جهان و زندگی و خویشتن او آشتی برقرار گردد و همه چیز را به دید مثبت بنگرد. (قدردان قراملکی ۱۳۸۲: ۴۴) آرامش روانی، گمشده انسان است و او با تمام وجود در پی دستیابی به آن می‌باشد.

از دیدگاه دین، یگانه چیزی که می‌تواند این نیاز را برآورده کند، یاد خداست. قرآن کریم با تأکید تمام، اعلام می‌کند که آرامش روان، فقط در سایه توجه به خداوند امکان پذیر است «الْبَدْرُ لِلَّهِ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸) (آذربایجانی، ۱۳۸۵: ۱۵۱) برخی از آیات، قلب مومنان را به دلیل ذکر نام خداوند، مالا مال از صفا و آرامش ملکوتی وصف می‌کنند، آنان که ایمان آوردند و دل‌های ایشان به یاد خدا آرامش می‌یابد. آگاه باشید که دل‌ها به یاد خدا آرامش می‌یابد. «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمِئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸)

همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد در مقابل قلب کافران، مثل سنگ و بلکه سخت‌تر از آن وصف می‌شوند. «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقُّ فَيُخْرِجُ مِنْهُ الْمَاءَ» (بقره/۷۴) سپس دل‌های شما بعد از این [واقعه] سخت گردید، همانند سنگ، یا سخت‌تر از آن، چرا که از برخی سنگ‌ها، جوی‌هایی بیرون می‌زند، و پاره‌ای از آنها می‌شکافد و آب از آن خارج می‌شود.

حد آرامش روحی هر کس، متناسب با ایمان و پیوند قلبی او با خداوند است. هرچه ایمان قوی‌تر باشد، آرامش روحی نیز به همان میزان افزایش می‌یابد.

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت/۳۰)

در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند]: «هان، بیم مدارید و غمین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد

آینده همواره امیدوار کرده و باعث می‌شود تا انسانها از تلاش نایستند و امیدوارانه به آینده چشم بدوزند.

۴. پاسخ به احساس تنهایی

یکی از دردهای همیشگی انسان که پیوسته از آن رنج می‌برد، احساس تنهایی است. یکی از فوائد دین و بارو دینی این است که انسان خدا باور هیچ‌گاه احساس تنهایی نمی‌کند زیرا باور دارد که خدا از رگ گردن به او نزدیکتر است: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق/۱۶) و ما انسان را آفریده‌ایم و می‌دانیم که نفس او چه وسوسه‌ای به او می‌کند، و ما از شاهرگ [او] به او نزدیکتریم.

این جمله می‌خواهد مقصود را با عبارتی ساده و همه کس فهم اداء کرده باشد و گر نه مساله نزدیکی خدا به انسان مهم‌تر از این و خدای سبحان بزرگتر از آن است، برای اینکه خدای تعالی کسی است که نفس آدمی را آفریده و آثاری برای آن قرار داده، پس خدای تعالی بین نفس آدمی و خود نفس، و بین نفس آدمی و آثار و افعالش واسطه است، پس خدا از هر جهتی که فرض شود و حتی از خود انسان به انسان نزدیکتر است، و چون این معنا معنای دقیقی است که تصورش برای فهم بیشتر مردم دشوار است، لذا خدای تعالی به اصطلاح دست کم را گرفته که همه بفهمند، و به این حد اکتفاء کرده که بفرماید: «ما از طناب ورید به او نزدیک‌تریم». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۵۲۰) و یا در جای دیگر قریب به این معنا را آورده بفرماید: «أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ» (انفال/۲۴) خدا بین انسان و قلبش واسطه و حائل است.

۵. بهبود در روابط اجتماعی

جوامع فاقد دین و ایمان، از ارتباط سالم اجتماعی و روابط خوب انسانی بر خوردار نیستند، به ویژه روابط خانوادگی در این جوامع بسیار نا مطلوب واز هم پاشیده است و احترام و اعتماد لازم میان اعضای خانواده برقرار نیست. از این رو، نمی‌توانند طعم شیرین محبت را در جمع خانواده بچشند و بیشتر ترجیح که در بیرون از خانه به سر ببرند. دین با ایجاد تعهد و حس مسئولیت در انسان نسبت به هم‌نوعان و افراد اجتماع و افشاندن بذر صلح، صفا، اعتماد و علاقه نسبت به یکدیگر، موجب می‌شود که اجتماع و زندگی جمعی، سالم و مطلوب شود و روابط عمومی بهبود یابد و کانون خانواده به بهشت کوچکی از صفا و صمیمیت و علاقه مبدل گردد. جامعه‌ای که به دین پایبند نباشد، واقع بینی و روشنفکری را از دست می‌دهد و عمر گرانیمایه خود را در گمراهی و ظاهر بینی و غفلت می‌گذراند، عقل را زیر پا گذاشته، و چون حیوانات، کوتاه نظر و بی‌خرد زندگی می‌کند. دچار زشتی اخلاق و پستی کردار می‌شود و بدین ترتیب، به کلی امتیازات انسانی را از دست می‌دهد. چنین جامعه‌ای گذشته از این که به سعادت ابدی و کمال نهایی خود نمی‌رسد، در زندگانی کوتاه و زودگذر این جهان نیز، نتایج شوم و آثار ناگوار انحرافات و کجروی‌های خود را دیده و دیر یا زود چوب غفلت خود را خواهد خورد و به روشنی خواهد فهمید که تنها راه سعادت، همان دین و ایمان به خدا بوده است و سرانجام از کردار خود پشیمان خواهد شد. دورکیم، جامعه شناس مشهور می‌نویسد: «مناسک دین برای کارکرد درست زندگی اخلاقی ما، به

همان اندازه ضروری اند که خوراک برای نگه داشتن زندگی جسمانی ما ضرورت دارد، زیرا از طریق همین مناسک است که گروه خود را تایید و حفظ می‌کند (آیت الهی، بی تا: ۲۵؛ ملک، ۱۳۸۱: ۱۷۹/۲).

نتیجه‌گیری

نگاهی اجمالی به موضوع مورد بحث ما را بدین نتیجه رهنمون می‌شود که هدف کلی دین هدایت بشر و پاسخ‌گویی به نیازهای اصیل انسان است، لذا دین به همه ابعاد وجودی انسان توجه می‌کند، هم بعد فکری و عقلانی، و هم بعد عاطفی و احساسی، و هم بعد غریزی و مادی، و از آن‌جا که درک عقلی و علمی بشر در شناخت همه زوایای وجودی خویش رسا نیست، لذا برای شناخت نیاز به معرفتی بالاتر از معرفت عقلانی و تجربی خود دارد که با مراجعه به منابع اصیل وحی چون قرآن و سنت به کشف نیازهای اصیل خود می‌پردازد، و تنها در سایه دین زندگی بشر معنا می‌یابد. چراکه آرامش انسان، امیدواری، شکل‌گیری روابط اجتماعی، رهایی از پوچی و پوچ‌گرایی، پر شدن خلأ‌های تنهایی که از مهمترین دستاوردهای دین و ایمان دینی در زندگی مادی و معنوی انسان است فقط با عمل به دین میسر است که در این نوشتار با تکیه بر آیات قرآن به بررسی و تبیین آن پرداخته شد و اهمیت جایگاه دین در تمامی ابعاد زندگی روشن گشت.

کتابنامه

- آذربایجانی، مسعود و موسوی اصل، سید مهدی. ۱۳۸۵. ش. در آمدی بر روانشناسی دین، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی سمت.
- آیت الهی، سید مهدی. بی تا، آموزش دین، جمع‌آوری و تنظیم، قم، جهان آراء.
- آیتی، عبدالمحمد، ۱۳۸۵. ش. ترجمه نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۸. ق، بیروت. دارالصادر.
- بازرگان، مهدی. ۱۳۷۷. ش، آخرت و خدا هدف بعثت انبیا، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۸. ش، ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت، قم، مرکز بین‌المللی نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۲. ش، شریعت در آینه معرفت، قم، مرکز نشر فرهنگی رجا.
- حداد عادل، غلامعلی. ۱۳۸۶. ش، سکولاریسم یا جدایی دین از سیاست (سخنرانی)، نشریه مسجد، ش. ۵.
- سروش، عبدالکریم. آن که به نام بازرگان بود نه به صفت، مجله کیان، ش ۲۸ و ۴۸، مدارا و مدیریت.
- سلطانی، محمدعلی. ۱۳۸۲. ش، قلمرو دین و گستره شریعت، نشریه اطلاع‌رسانی و کتابداری، ش ۱۳.
- صدوق. ۱۴۱۳. ق، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین قم.
- طباطبایی، محمد حسین. ۱۳۷۴. ش، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- عالیوند، محمد، بررسی اعیاد در ادیان هند و بودا و اسلام، فصلنامه مطالعات قرآنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، سال دهم، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۹۸. ش، صص ۱۰۷ - ۱۲۶.

- قدردان قراملکی، محمد حسن. ۱۳۸۲ش، «فلسفه نیاز به دین و پیامبران»، فصلنامه قبسات، ش ۲۷.
- لاریجانی، صادق. ۱۳۷۴ش، معرفت دینی، مجله نقد و نظر، ش ۲.
- لاریجانی، صادق. ۱۳۷۵ش، معرفت دینی، مجله نقد و نظر، ش ۶.
- مجلسی. بی تا، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران، اسلامیه، بی تا.
- مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۲ش، نظریه سیاسی اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۷۷ش، آموزش عقاید، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل،
- نصری، عبدالله. ۱۳۷۸ش، انتظار بشر از دین، قم، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، .
- هادوی مقدم، مهدی، مبانی کلامی اجتهاد، قم، بی نا، ۱۳۷۷.
- همیلتون، ملکم، ۱۳۸۱ش، جامعه شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.

- Azarbayjani, Massoud and Mousavi Asl, Seyed Mehdi, Introduction to the Psychology of Religion, Tehran: Samat Center for Research and Development of Humanities, 2006.
- Ayatollah, Seyyed Mehdi, teaching religion, collecting and organizing, Qom, Jahanara, Bitā.
- Ayati, Abdul Mohammad, translation of Nahj al-Balaghah, Tehran, Islamic Culture Publishing Office, 2006.
- Ibn Manzoor, Arabic Language, Beirut. Dar Al-Sadra, 1408 AH.
- Bazargan, Mehdi: The Hereafter and God, the Purpose of the Resurrection of the Prophets, Tehran, Rasa Cultural Services Institute, 1998.
- Javadi Amoli, Abdullah, Velayat-e-Faqih, Velayat-e-Faqih and Justice, Qom, Esraa International Publishing Center, 1999.
- Javadi Amoli, Abdullah, Sharia in the Mirror of Knowledge, Qom, Raja Cultural Publishing Center, 1993.
- Haddad Adel, Gholam Ali, Secularism or Separation of Religion from Politics (Lecture), Masjed Magazine, Vol. 5, 2007.
- Soroush, Abdolkarim, who was called Bazargan, not Adjective, Kian Magazine, pp. 28 and 48, Tolerance and Management.
- Soltani, Mohammad Ali, The Realm of Religion and the Scope of Sharia, Journal of Information and Librarianship, Vol. 13, Summer 2003.
- Saduq, from the presence of the jurist, Qom, Qom Teachers Association Publications, 1413.
- Tabatabai, Mohammad Hussein, Tafsir Al-Mizan, Qom, Islamic Publications Office of the Society of Teachers of the Seminary of Qom, 1995.
- Ghadrdan Gharamolki, Mohammad Hassan, "Philosophy of the need for religion and prophets", Qabsat Quarterly, 2003, p.27.
- Larijani, Sadegh, Religious Knowledge, Journal of Criticism and Opinion, Vol. 2, Spring 1995.
- Larijani, Sadegh, Religious Knowledge, Nafd and Nazar Magazine, Vol. 6, Spring 1996. 16.
- Majlisi, Bahar Al-Anwar Al-Jame'a for the news of the pure Imams, Tehran, Islamic, no.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, Political Theory of Islam, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute (Quds), 2003 (b)
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, Teaching Beliefs, Tehran: Bin Amel International Publishing Company, 1998. (a)

- Nasri, Abdullah, Human Expectation from Religion, Qom, Cultural Institute of Contemporary Knowledge and Thought, 1999.
- Hadavi Moghadam, Mehdi, The Theological Foundations of Ijtihad, Qom, Bina, 1998.
- Hamilton, Malcolm, Sociology of Religion, translated by Mohsen Thalasi, Tehran, Tebyan Publishing Cultural Institute, 2002.

ارجاع: ساکی نانسی، بازکاوی نگره دین در قلمرو زندگی بشری با تکیه بر آیات قرآن، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۳، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۱۲۷-۱۱۴.

